

"بسمه تعالی"

درآمدی تاریخی بر کارکردهای مساجد

علی الهی فر

چکیده

سخن از کارکردهای مسجد و تبیین دقیق آن‌ها ازجمله بحث‌های مهم و کاربردی امروز مسلمانان است. متفکران زیادی در این باره تحقیق کرده‌اند اما متأسفانه هنوز به تبیین نهایی و دقیقی نرسیده‌اند. شایع اگر این بحث به‌طور منظم از مراحل اولیه‌ی تأسیس و چرایی وجود مسجد آغاز شود و سپس به مرحله‌ی بعد، یعنی تعیین کارکردهای اصیل و شرعی مسجد و نقش آن در جامعه، برسد، به نتیجه‌ی بهتری برسیم.

در این نوشتار، می‌خواهیم چنین روشی در پیش گیریم تا بخشی از اختلاف‌نظرها درباره‌ی کارکردهای مسجد را کاهش دهیم و در نهایت به ملاکی دقیق برای تشخیص کارکردهای اصلی مسجد برسیم. در مرحله‌ی اول به دنبال توضیح معنای شرعی واژه‌ی مسجد هستیم؛ سپس با معرفی صاحب‌امطّان تأسیس مسجد در جامعه‌ی اسلامی کارکردهای مشروع مسجد را معین و از بحث‌های دامنه‌دار و بی‌نتیجه پرهیز کنیم.

فصل اول: مفهوم‌شناسی «مسجد»

۱- مفهوم‌شناسی واژه‌ی «سَجَدَ» و «سَجْدَه»

کلمه‌ی «مسجد» به فتح ثی کسر جیم از ماده‌ی «سَجَدَ سَجْدُ سَجُوداً» گرفته شده است.^۱ واژه‌ی «سَجَدَ» در کتاب‌های لغت چرخی معری شده است: «تَطَامَنَ وَ ذَلَّ»، «خَصَعَ وَ اِنْحَنَّا». موارد کاربرد این واژه در کلام عرب چرخی آمده است: «سَجَدَ الْمُصَلّٰی»، «سَجَدَ الْحَمَلُ» که به ترتیب به معنای «خضع و انحری: نمازگزار خشوع کرد و خم شد» و «خَفَضَ رَأْسَهُ لِحُكْمٍ: شتر سر خود را فرود آورد تا بر او سوار شوند».^۲

۱- البته عین الفعل آن به کسر در ماضی و فتح در مضارع نیز شنیده شده در این باره رجوع شود به «الرائد».

۲- المقياس الفقه. ذیل ماده؛ سجد

از آنجاکه «سَجْدَه» به معنای فروتنی است، در تمام موارد کاربردی، اصل معنای آن یعنی «خضوع و خشوع» لحاظ شده است.^۱ البته، از لحاظ لغت به رکوع هم می‌توان «سجده» گفت؛ همان‌گونه که در آئی «ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»^۲ به معنای رکوع‌کنندگان تفسیر شده است.^۳ راغب اصفهانی سجده را به «انحناء و تذلل» معنا می‌کند و می‌گوید: سجده عام است و شامل انسان و حیوان و جماد می‌شود. در حقیقت، سجده نمائی‌نگر عظمت و ارزش بی‌حد و حصر کسری است که برای او سجده می‌کنند. در همه‌ی آئی‌ها که به زمین و آسمان و موجودات بی‌جان نسبت سجده داده شده، منظور همان خضوع و تسلیم در برابر اراده‌ی حق تعالی است.^۴

قرآن کریم درباره‌ی قوم سبا می‌فرماید: «وَجَدْتُهُمْ وَاقِفَةً يُسْجِدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ»،^۵ دینم ملکه سبا و قومش را که به جای خدا برای خورشید سجده می‌گذارند...

در قضیه‌ی حضرت مریم (سلام الله علیها) می‌فرماید: «إِنِّي أَمَرْتُ لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»،^۶ ای مریم کرنش کن پروردگارت را و سجده کن و رکوع کن با رکوع‌کنندگان ...

خداوند در نقل مبارزه‌ی فرعون و ساحران‌شان با موسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَالَّذِي السَّحَرَةُ سَاجِدُونَ»،^۷ جادوگران به سجده افتادند.

خطاب به ابراهیم خلیل (علیه السلام) می‌خوانیم: «وَوَضَعْنَاهُ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»،^۸ و پاکیزه کن خانه‌ی مرا برای طواف‌کنندگان و ایستادگان و رکوع‌کنندگان که سجده می‌گذارند.

۱ - الرائد. ذیل ماده؛ سجد

۲ - سورة بقره؛ ۵۸.

۳ - فیروز آبادی، القاموس المحيط ج ۱، ص ۵۷۹.

۴ - فیروز آبادی، القاموس المحيط ج ۱، ص ۵۷۹.

۵ - نمل: ۲۴

۶ - سورة النمل؛ ۲۴.

۷ - سورة اعراف: ۱۲۰.

۸ - سورة الحج؛ ۲۶.

در داستان یوسف صدیق (علیه السلام) می‌خوانیم: «وَرَفَعَ أَبُوعَبْدٍ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا»^۱ و پدر و مادرش را بر تخت نشاند و همه برای یوسف سجده کردند.

ذکر این تاریخ قرآنی برای سجده که نهایت خشوع و خضوع و تکریم و تعظیم است، وقتی اهمیت می‌یابد که محل پرستش خداوند متعال «مسجد» نامیده شده است. ممکن است این نام‌گذاری به این دلیل باشد که خشوع و خضوع حقیقی فقط و فقط در مقابل خداوند جایز است. البته سجده‌ی در برابر خداوند منحصر به مسجد نیست و مؤمن همه جا باید در برابر پروردگار خود سجده کند. در این باره بپلم بر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا»^۲ زمین، برای سجده و پاک‌کننده قرار داده شده است.

۲ - مشتقات و ریشه‌های واژه‌ی «مَسْجِد» و «مَسْجَد»

الف. واژه‌ی «مَسْجِد» و «مَسْجَد» در لغت

واژه‌ی مسجد در بعضی از لهجه‌های قبایلی عربی به صورت «مَسْجِد» آمده است. قلب حرف جمع به طاء در مطلق عرب‌های جزیره‌العرب شایع است. همچنین، در اندلس و بلاد مغرب، به مسجد «مَسْجِد» گفته می‌شود.^۳ با اینکه لفظ مسجد و مشتقات آن مکرر در قرآن آمده است، مستشرق انگلیسی، استانلی لئوپول، مسجد را برگرفته از واژه‌ی meschita ایتالیایی و طی mesgita اسپانیایی می‌داند.^۴ چنین می‌نماید که ورود این واژه از سرطانی به عربی بعید نیست، چون زبان‌های عربی و عبری و سرطانی و نبطی تقریباً ریشه‌ی واحدی دارند؛ ولی گفته‌ی لئوپول بعید به نظر می‌رسد و اگر تشابهی وجود دارد صرفاً تصادفی است طایفه از عربی به این زبان‌ها وارد شده است.

«مَسْجَد» به فتح جمع به معنای پیشانی طی اثر سجده و همچنین بر نماز رهن اطلاق شده است.^۵ سبکی‌ی نحوی «مَسْجَد» به فتح جمع را بر کاری اطلاق کرده است که عنوان عبادت دارد.^۱ ابن عربی رهن آن

۱ - سورة يوسف: ۱۰۰.

۲ - برای توضیح بیشتر این روایت رجوع شود به کتاب «شرح لمعه باب طهارت»، تألیف شهید ثانی.

۳ - طه ولی، المساجد فی الاسلام ص ۱۳۶.

۴ - المساجد فی الاسلام ص ۱۳۸.

۵ - منتهی الأرب. ذیل ماده: سجد.

آن را به معنای محراب‌الهیّت گرفته است.^۲ برخی دیگر رن به معنای مواضع هفتگانه‌ای دانسته‌اند که هنگام سجده بر زمینی نهاده می‌شوند.^۳ اگر «مسجد» به کسر جمع خوانده شود، اسم است برای محل عبادت، خواه در آن «سجده» بشود یا نشود.^۴ در مکن زرتشتی به جای لفظ «مسجد» لفظ «مزگت» یا «مزکت» تلفظ شده است.^۵

ب: واژه‌ی «مسجد» در شعر

واژه‌ی مسجد در زبان شعری به دو گونه تعریف شده است:

الف) معنای ظاهری یا صوری؛

ب) معنای کنایی یا ضمیری.

در معنای صوری، مسجد به معنای محل سجده در برابر خداوند است اما در بُعد ضمیری در شعر، به معنای «خاکساری»، «تواضع» و «احترام» است که مقوله‌ای کاملاً روحی و قلبی است.^۶ به این شعر حافظ توجه کنید:

دوش از مسجد سوی میخانه، آمد بی ما چیست طوان طریقت بعد از این تدیی ما
واژه‌هایی چون دوش، میخانه، بی و طوان طریقت که در کنار مسجد آمده‌اند، خودبه‌خود مفهوم ظاهری را از مسجد گرفته‌اند و معنایی ضمیری به آن بخشیده‌اند. بنابراین، هر چند در این بیت مسجد به همان معنای حقیقی و ظاهری خود (محل سجده) است، اما معنایی گسترده‌تر دارد. حافظ در جای دیگری از واژه‌ی مسجد چنین بهره می‌گیرد:

۱ - الاقرب الموارد - علامه طباطبایی (ره) نیز در ذیل آیه شریفه «و ان المساجد لقد ...» به همین معنا گرفته است.

۲ - اللسان العرب . ذیل ماده ؛ سجد .

۳ - همان مدرک .

۴ - الاقرب الموارد - اللسان العرب . ذیل ماده ؛ سجد .

۵ - کشف اصطلاحات الفنون - منتهی الارب . ذیل ماده ؛ سجد .

۶ - واژه مسجد در معنای ظاهری اش دارای یک معنا و مضمون کاملاً فشرده است اما همین واژه در مواردی در زبان شعری دارای معنای گسترده تر و تأویلی و استعاری نیز می‌باشد. به هر حال مقصود از معنای فشرده مسجد همان معنای ظاهری و مراد از معنای گسترده همان معنای کنایی آن است . سایر ارکان مسجد نیز نظیر : گلدسته‌ها، محراب، شبستان، گنبد و حتی ستون ها و منبر نیز در شعر دارای این دو معنا می باشد.

طی باد آن که خرابات‌نشرین بودم و مست آنچه در مسجدم امروز نبود آنجا بود

در این بحث، مسجد به معنای ضمیری مجازی به کار رفته است که معنای آن چنین است: طی آن زمان که من از ظاهر شریعت فارغ بودم، به خبی که در آن حال مقامات و صفاتی داشتم که امروز در سیرت شریعتی و و ظاهر مسجدی‌ام ندارم. گوی حافظ می‌گوید: در کنار رعایت شریعت و رفتن به مسجد که نماد مؤمن بودن به شریعت است، به باطن و حقیقت شریعتی توجه کنید که مسعی نماد آن است.

۳- بررسی واژه‌ی «مَسْجِد» در قرآن

قرآن کریم به عنوان اولین کتاب تدوین یافته در جزیره العرب، ابتداء بذر انسجام و وحدت را در مطن قبایلی مختلف کاشت و سپس به صورتی معجزه آسا لغات پراکنده قبایلی عرب را جمع‌آوری کرد. دایه‌ی وسیع لغات در قرآن کریم و مشتق‌سازی‌های شگفت‌انگیز آن ایمان به اعجاز قرآن را در اندیشه‌ی اعراب جای داد. عرب‌ها می‌دانستند که آلت قرآن از ناحیه‌ای بسط فراتر از توان بشری صادر می‌گردد. در آغاز، درک این معنا مشکل بود و در اوائل دعوت به اسلام، گاه الفاظ قرآنی را سحر و جادو تلقی می‌کردند؛ اما کم‌کم پایی‌های ایمان به خداوند متعال در ذهن و فکر آن‌ها استوار شد. در مواردی پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) الفاظی را اختراع می‌فرمود که نه اعراب متداول نبود. به عبارت دیگر، اصل و ریشه‌ی آن کلمه در اذهان عمومی وجود داشت اما مشتقی که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌ساخت برای مردم غریب و ناآشنا بود. برای مثال، زمخشری به این آیه اشاره می‌کند: «و لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۱ «همچگاه عرب ماده‌ی «هَلَكَ» را بر وزن «تَفَعَّلَ» را استعمال نکرده بود؛ اما خداوند متعال در قرآن کریم این ماده را بر این وزن بر زبان مبارک پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جاری ساخت».

نمونه‌ی دیگر این نوع مشتق‌سازی‌ها در کلام پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) لفظ «مَسْجِد» و دیگر مشتقات واژه‌ی «سَجَدَ» است. هرچند، ریشه‌ی این واژگان، صهی ماده‌ی «سَجَدَ»، و برخی از مشتقات آن در کلام عرب وجود داشته است. پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام استعمال این واژه، در قالب اسم مکان، هیچ نوع تغییری

۱- سورة بقره؛ آیه ۱۹۵.

در اصل معنای لغوی آن ایجاد نکرد و مردم هرچند با ساختمان ترکیبی لفظ مسجد آشنا نبودند، اما در مواجهه‌ی با آلت مسجد، اصل معنای واژه «سَجَدَ» را می‌شناختند و مشتقات قرآنی براساس همان معنای متعارف معری می‌شد. به‌هرحال، نام پرستشگاه رسمی و اجتماعی مسلمانان «مسجد» گذاشته شد تا نشای باشد بر نهایت عظمت مسجود. لطف این نام‌گذاری وقتی آشکار می‌شود که آدم خود مسجود ملائکه است و خداوند متعال مسجود همه‌ی موجودات جهان هستی. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این واژه فقط در مورد خدا به کار برد و به کارکرد این واژه وحدت معنایی بخشید. واژه‌ی مسجد مکرر در قرآن به کار رفته است که در ۲۲ مورد مفرد^۱ و در ۶ مورد دیگر جمع است.^۲ مسجد معمولاً در آلت قرآنی به مکان مقدسی اشاره می‌کند که مخصوص عبادت خداست اما به ساختمانی اسلامی خاصی اشاره نمی‌کند.

در تفسیری «مجمع‌الطین»، درباره‌ی کلمه‌ی «مساجد» (ذیل آئی «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۳)، چهار معنا از مفسران نقل شده است: مواضع هفت‌گانه‌ی انسان در هنگام سجده؛ همه‌ی زمین؛ نماز؛ مکان عبادت مسلمانان. معنای اخیر روشن‌ترین معنا برای آئی مورد بحث است.^۵ در مورد معنای کلمه‌ی «مسجد» در آئی «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۶،^۷ بحثی مشابه مطرح شده است.^۸ اگر واژه‌ی مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیری کریم، از این آئی استفاده می‌شود که مسجد جایگاه دعا و عبادت خالصانه است؛ زی

۱ - سوره بقره؛ آیات ۱۴۵، ۱۹۱، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۹۶، ۲۱۷ - سوره مائده؛ آیه ۲ - سوره اعراف؛ آیه ۲۹، ۳۱ - سوره انفال؛ آیه ۳۴ - سوره توبه؛ آیه ۷ - سوره کهف؛ آیه ۲۱ - سوره عنکبوت؛ آیه ۷ - سوره فتح؛ آیه ۲۵، ۲۷ - سوره حج؛ آیه ۲۵.

۲ - سوره بقره؛ آیه ۱۴، ۱۸۷ - سوره توبه؛ آیه ۱۷، ۱۸ - سوره حج؛ آیه ۴۰ - سوره جن؛ آیه ۱۸.

۳ - و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا مخوانید

۴ - سوره جن؛ آیه ۱۸.

۵ - در روایتی که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید و ارد شده فراوان یافت می‌شود که ایشان گاه برای یک آیه معانی گوناگونی را ذکر کرده‌اند؛ این امر گویای علم گسترده آنان با متون قرآن و معانی پوشیده آن است.

۶ - بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید

۷ - اعراف: ۲۹.

۸ - فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱.

خداوند متعال ابتدا انسان را فرمان می‌دهد که در مسجد حضور یابد، سپس از او می‌خواهد که دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد.

۴- تحلیل گزاره‌های لغوی و قرآنی واژه‌ی «مسجد»

اگر مجموع کاربردهای واژه‌ی مسجد در لغت و تفسیر آیات قرآنی را در دو تعریف کلی منسجم و متمرکز کنیم، چنین می‌شود:

۱- «نمازگاه» یا «سجده‌گاه» است و البته، «هر جا فردی نماز بخواند، مسجد است»؛^۱

۲- «مکانی برای خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال».

نقد و بررسی تعریف اول درباره‌ی مسجد

اگر مسجد را به معنای اول (نمازگاه) بدانیم، دیگر نباید کارکردهای مسجد را طبق معنای لغوی آن تعیین کنیم، یعنی نباید ملاک تأسیس و فعالیت‌های مشروع مسجد را نماز به حساب آوریم؛ زیرا با چنین کاری تعریف مفهومی واژه‌ی مسجد و بیان فلسفه و نوع کارکردهای مسجد رابطه‌ای ایجاد کرده‌ایم که سرانجام ما را به اشتباهی جدی خواهد انداخت. برخی از اهل لغت مسجد را به معنای لغوی تفسیر کرده‌اند و بسیاری از مؤمنان نیز به اشتباه گمان دارند که تأسیس مسجد صرفاً برای نماز خواندن و سجده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همواره مسلمانان را به اقامه‌ی نماز جماعت فرامی‌خواند اما هیچ‌گاه آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مسجدی را صرفاً برای نماز بنا نکرد. برخی بدون لحاظ مراحل علمی و دقت در کاربردهای قرآنی و مطالعه در سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، براساس همین معنای لغوی، فعالیت‌های مسجد را به کمترین حدّ ممکن تقلیل داده‌اند و فعالیت‌های دیگر را منافعی بی‌مخالفت شأن و هدف مسجد تلقی می‌کنند. در نگاه این دسته، هر چه از این کارکرد مرکزی (نماز) دور شویم، از اصالت و مشروعیت مسجد کاسته خواهد شد.

پیامد این نوع نگاه غلط به مسجد این است که رسالت اصلی مسجد که همان بروز و ظهور در جامعه است، از بین می‌رود. با چنین تفسیر اشتباهی، مسجد به دست حکومت‌هایی می‌افتد که به دنبال جدایی دین از سیاست هستند. مسجد فقط جای سجده نیست بلکه ذکر خدا و یاد او در قالب دعا و رُحش،

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳.

رکوع و قلم هم در مسجد انجام می‌گیرد. علاوه بر اینکه در آیین اسلام، مسجد تنها جای عبادت نیست و مسلمانان می‌توانند بیشتر عبادات خود را در منزل به جای آورند. برخلاف آیین مسیحیت و یهودیان که عبادت‌های خود را فقط در کلیسا و کنیسه‌ها انجام می‌دهند.

نقد و بررسی تعریف دوم درباره‌ی مسجد

اگر مسجد را به معنای دوم (مکانی برای خضوع و خشوع در برابر خداوند) تفسیر کنیم، جواز صدور بسیاری از کارهای خیر آدمی در مسجد داده می‌شود؛ زیرا در بیشتر فعالیت‌های مسلمین، ماهیت خشوع و خضوع در برابر خداوند متعال به چشم می‌خورد. از این رو، هر نوع فعالیت را در مسجد باید مشروع تلقی کرد. در این تفسیر، عنصر زمان نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص فعالیت‌های مسجد دارد. اولین ضعف این شیوه‌ی تفسیر درباره‌ی کارکردهای مسجد این است که ملاک تعیین آن‌ها مبهم است؛ زیرا نداشتن حدود مرزی ثابت و مشخص برای تعیین کارکردهای مشروع مسجد، موجب می‌شود که مسلمانان، در هنگام تطبیق مصادیق، دچار افراط و تفریط و خطا بشوند. افزون بر آنکه، حاکمان به ظاهر اسلامی می‌توانند فعالیت‌های مسجد را در حد همان معنای ظاهری «خشوع و خضوع در برابر خداوند متعال» تفسیر کنند. آلی مدیان مساجد می‌توانند با تعریف مسجد به نمازگاه بیشتر فعالیت‌های اجتماعی مساجد را نوعی بدعت و خلاف کارکردهای اصلی مسجد تلقی کنند؟ آیا مدیان مساجد می‌توانند با تعریف مسجد به محل خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال، هر نوع فعالیت را با مسجد مرتبط سازند؟

برای پاسخ به این دو سؤال، لازم است که توجه خوانندگان عزیز را به سه نکته‌ی مهم جلب کنیم:

اول، به صرف تعریف شرح‌الاسمی یا لغوی از واژه‌ی مسجد نباید به سراغ تعیین کارکردهای شرعی مسجد رفت و فعالیت‌های آن را بر شمرد. بیشتر آنچه در آیت قرآنی آمده است، صرفاً تعریف واژه مسجد است و نمی‌توان کارکردهای مسجد را از آن بیرون کشید.

دوم، در بحث تعیین کارکردهای مسجد، نباید ماهیت آن را چنان کلی تعریف کرد که در وقت بیان مصداق، مورد سوء برداشت قرار گیرد؛ زیرا در این صورت، هرکسی طبق سلیقه‌ی خود کارکردهای مسجد را تعیین خواهد کرد.

سوم، تا وقتی مؤسس و صاحب‌امطن مسجد و متوالفان حقیقی آن معلوم نگردد، سخن از فعالیت‌های شرعی طی اصلی مسجد، بی‌فایده و گمراه‌کننده است.

فصل دوم : جایگاه مسجد در اسلام

۱- تأسیس اولین مسجد در تاریخ اسلام

هجرت نهمین اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام است. این حرکت بسط مهم سیزده سال بعد از ظهور اسلام اتفاق افتاد و نهمین اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ده سال پس از این هجرت در مدینه و در قحط حاکم بودند. از این رو، هجرت در وسط جریانات تاریخی اسلام قرار گرفته است و مورخان تاریخ اسلام را به دو بخش عمده ی قبل و بعد از هجرت تقسیم می‌کنند. به دلیل این تقسیم بندی، گزارش‌های تاریخی مربوط به تأسیس اولین مسجد گاه در پانزده بخش اول و گاه در آغاز بخش دوم آمده است و این اختلاف، سبب اختلاف نظرهایی در این باره شده است. یکی از امطرات ما شیخ‌علی این است که در همه‌ی مسائل، حتی در گزارش‌ها تاریخی، بهیچ‌و سخن امامان معصوم (علیهم‌السلام) هستیم. آن بزرگواران با صداقت و امانت‌داری بسط‌ی از معارف و حتی حوادث تاریخی اسلام را در اختط نسل‌های بعد قرار داده‌اند. در این مسئله‌ی تاریخی، صحیح‌ترین و معتبرترین نقل، روایت معصومان از این واقعه است که اختلاف نظر را برای ما از بین می‌برد. در اینجا دو روایت مبارک را نقل می‌کنیم که مرحوم کلینی، در کتاب شریف کافی، آورده است:

الف. «قد روی الکلهی فی فروع الکافی بسنده عن الصادق (علیه‌السلام) قال: «إِنَّ الْمَسْجِدَ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى فِي قَوْلِهِ سُبْحَانَهُ: (لَمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ) هُوَ مَسْجِدُ قُبَا... فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِي رَسُولُ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فِي هَذِهِ الْعَرَصَةِ»، مرحوم کلینی حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) در کتاب فروع کافی نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: آن مسجدی که براساس تقوا بنا نهاده شد، به فرموده‌ی خداوند «همانا مسجدی که بسط شده است براساس پرهیزکاری از نخستین روز سزاوارتر است که

در آن به پای ایستی» همان مسجد «قبا» است. قبا اولین مسجدی است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آن دوران، در آن نماز به جای آورد.^۱

ب. «روى الكلبي فى فروع الكافى بسنده عن سعي بن عوف عن على بن الحسين (عليه السلام) قال: «فَنَزَلَ مَعَهُ ثُمَّ تَحَوَّلَ مِنْهُمْ إِلَى بَرِيٍّ سَالِمِ بْنِ عَوْفٍ وَ عَلِيٍّ (عليه السلام) مَعَهُ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَخَطَّ لَهُمْ مَسْجِدًا وَ نَصَبَ قِبْلَتَهُ إِلَى «نَبْتِ الْمُقَدَّسِ» وَ صَلَّى بِهِمْ فِي الْجُمُعَةِ رَكْعَتَيْنِ وَ خَطَبَ خُطْبَتَيْنِ، ثُمَّ رَاحَ (بعد العصر) مِنْ يَوْمِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ»، مرحوم کلبی در کتاب فروع کافی حدیثی نقل می کند از سعید بن عوف و او از علی بن الحسین (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: زمانی که حضرت علی (علیه السلام) به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید، آن حضرت در قبیله ی بری عمرو بن عوف بود، پس به محضر ایشان شرفطلب شد و سپس با هم به طرف قبیله ی بری سالم بن عوف حرکت کردند و هنگام طلوع خورشید روز جمعه به آن جا رسیدند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مسجدی را برای آن قبیله خط کشی نمود و قبله ی آن را به سوی نبوت المقدس قرار داد و سپس دو رکعت نماز جمعه با آنان خواند و دو خطبه ایاد فرمود و عصر همان روز به طرف مدینه حرکت کردند.^۲

۲- دیدگاه اسلام درباره ی کیفیت بنا و ساختمان مسجد

قبل از تحلیلی گزاره های تاریخی و برای تحقیق بیشتر به این پرسش می پردازیم که آلی نوع بناء و کیفیت ساختن مسجد در اسلام تشریع شده است یا خیر؟ باری آیا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای چگونگی ساخت مسجد دستوری شرعی صادر فرموده است یا اینکه این امر را به مسلمانان واگذار کرده است؟ اجمالاً آنچه دو روایت معروف مرحوم کلبی برمی آید این است چرین دستوری صادر نشده است. چنان که در روایت آمده بود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صبح جمعه وارد قبیله ی بری سالم بن عوف شد و ظهر جمعه نماز را به جای آورد و عصر همان روز به طرف مدینه حرکت کرد. مسلم است که در این فرصت روز نمی توانست هم با مردم قبیله دیدار کند و هم نقشه ی ساختمانی مسجد را بپوشی کند. در نحوه ی ساخت مسجد مدینه نیز

۱- موسوعه تاریخ الاسلامی . محمد هادی غروی ج ۲: ص ۱۵.

۲- همان مدرک سابق .

دستور خاصی صادر نشد و صرفاً به تناسب خانه‌های مدینه ساخته و به حسب رتبه مردم توسعه داده شد. در فصل سرما، بر آن سقف زده شد وای پلیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی‌خواست ساختمان مسجد از حد متعارف خانه‌های مدینه بالاتر باشد. پلیمبر (صلی الله علیه و آله) شریه‌ای ساده در بنای مسجد برگزید تا موجب شبهه علی طعن‌های منافقین نشود و چرین برداشت نکنند که حضرت (صلی الله علیه و آله) می‌خواهد برای مسجد و خانه‌ی خود که در جوار مسجد بود، بنای بزرگی هم‌سنگ قصر پادشاهان بنا کند.^۱

پلیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ساختمان مسجد را به گونه‌ای بنا کرد که در کنار خانه‌های دیگر سؤال برانگیزی نباشد و باعث تضاد در معارف اسلامی نگردد. از این رو، حضرت (صلی الله علیه و آله) از تجملات و به کارگیری وسایل و مصالحی پرهیز کرد که در عموم خانه‌های مدینه استفاده نمی‌شد. نخستین مساجد بسطیده ساده ساخته می‌شد و نسبتاً کوچک بود. مساجد دیواری گلی و سقفی از شاخه‌های خرما داشت. در واقع، هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدیدی جوی حفظ شوند.^۲ در تاریخ آمده است که می‌خواستند سقف مسجد را با گچ محکم و زیبا کنند که حضرت نپذیرفتند و فرمودند: «لا، عَرِشٌ كَعَرِشِ مُوسَى»، لازم نیست، بلکه می‌خواهم مسجد همانند مکایی باشد که حضرت موسی (علیه السلام) در آن خداوند متعال را عبادت می‌کرد.^۳ البته، شاید این سخن کنایه‌ای باشد به تحریف آیین یهود. معبد ها و کعبه‌های یهودیان از حالت عبادت گاه درآمده بود و عملاً مرکزی برای حاکمان یهود شده بود. برنامه‌های عبادی یهود مطابق با پیشبرد اهداف حکومتی طرح ریخته می‌شد و به طور طبیعی ساختمان‌های معابد آنان نیز همانند بناهای حکومتی شد. برخی از مساجد اولیه در اسلام: مسجد فضیخ، مسجد غمامه، مسجد الإجابة، مسجد ذباب، مسجد جمعه و

۱ - موسوعه تاریخ الاسلامی؛ ج ۲، ۲۵.

۲ - ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، ص ۱۲.

۳ - موسوعه تاریخ الاسلامی؛ ج ۲، ۲۵.

مساجد سبعة (مسجد فتح، مسجد علی (علیه السلام)، مسجد سلمان، مسجد فاطمه (سلام الله علیها)، مسجد ذوقبلین^۱، مسجد ابوبکر، مسجد عمر).

در مدینه، مساجد دیگری نیز، غیر از مسجدالنبی، ساخته شد؛ اما پس از آنکه منافقان مسجد ضرار را ساختند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دستور خداوند آن را ویران کرد، هرگاه مسلمانان می‌خواستند مسجدی بسازند، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه می‌گرفتند. در بعضی مساجد مدینه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز خوانده است؛ البته نماز نخواندن ایشان به معنای تخطئه مسجد نبود. از جمله مسجدهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن‌ها به نماز ایستاد این مساجد است: مسجد بری‌خداره، مسجد بری‌وائل، مسجد البدائع، مسجد السجده. بعدها، به تدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدسته و گنبد در ساختمان مساجد متداول گردید و ساخت مساجد باشکوهی رایج شد که معماری‌های شگفتی داشتند. در هر شهر، تلاش گردید که برای حفظ شعائر دینی مسجدی مناسب شهر ساخته شود و کم‌کم مسجdsازی به منزله‌ی امری ضروری، برای حفظ شئون سرکاری و اجتماعی، به‌شمار آمد. در زمانی که اوضاع مناسبی بر سرزمینی حکمفرما بود، شمار مسجدها فزونی می‌یافت.

۳- پیام مساجد اولیه در صدر اسلام

در همه‌ی گزاره‌های اسلامی روح بی‌توجهی به پلیدی‌های دنیایی و زنجیرهای آلوده جرف دارد. هرگز ممکن احکام اسلام و تجملات زائد رابطه‌ای وجود ندارد. اسلام با هنر و ذوق هنری نقاشی و حجاری و غیره مخالفی ندارد، زیرا هنر در زندگی بشر نقش‌آفرین است و ارزش‌های فراوانی دارد؛ اما هنر در عبادت از نوع هنرهای ظاهری نیست. آرائش دل و روح انسانی ایزاری دیگو می‌طلبد که بر هنرمندان حقیقی و صاحبان ذوق پوشیده نیست. هنرهای ظاهری نادرست نیست به شرط آنکه هنر حقیقی و معنوی فراموش نشود. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه حکمت ۳۶۹ درباره‌ی تأسیس مسجدهای باشکوه در

۱- پیامبر (ص) در سال دوم هجرت در مسجد بنی سلمه به نماز ایستاده بود. دو رکعت از نماز گذشته بود که آیاتی بر پیغمبر نازل شد و مأمور به توجه به سوی مسجد الحرام شد. «و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجهکم شطره» «پس دو رکعت دیگر را به سوی کعبه متوجه شدند». این مسجد که در آن یک نماز به سوی دو قبله خوانده شد به مسجد ذوقبلین موسوم شد.

آخرالزمان می‌فرماید: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشای و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند. در آن روزگار، مسجدهای آنان آبادان اما از هدایت ویان است. مسجدنشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین هستند که کانون هر فتنه و جایگاه هر خطاکاری‌اند».

یکی از بنیم‌های عمده‌ی مساجد اولیه‌ی اسلام این است که باید از تجملات و ساخت ساختمان‌های غیرضروری خودداری کرد. در نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲، امام علی (علیه‌السلام) درباره‌ی حج چنین می‌فرماید: «آئی مشاهده نمی‌کنی که همانا خداوند سبحان انسان‌های پشیم از آدم (علیه‌السلام) و آئندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می‌رسانند، نه نفعی دارند، نه می‌کنند و نه می‌شنوند. خداوند این سنگ‌ها را خانه‌ی محترم خود قرار داد و عامل پائیزی مردم گردانید. سپس، او کعبه را در سنگلاخی‌ترین مکان‌ها، بی‌گل‌ترین زمین‌ها، کم فاصله‌ترین دره‌ها و در مطن کوه‌های خشن، سنگریزه‌های فراوان و چشمه‌های کم‌آب و آبادی‌های ازهم‌دور قرار داد؛ که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچ‌یک در آن سرزمین آسایش ندارند. سپس، آدم (علیه‌السلام) و فرزندانش را فرمان داد که به‌سوی کعبه برگردند و آن را مرکز اجتماع و سرمنزل مقصود و باراندازشان گردانند... اگر خداوند خانه‌ی محترمش و مکان‌های انجام مراسم حج را در مطن باغ‌ها و نه‌رها و سرزمین‌های سبز و هموار و پردرخت و میوه... قرار می‌داد، به‌همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش بهی سبک‌تر می‌شد». البته، نگارنده با هنر معماری و زیباسازی مسجد مخالف نیست؛ بلکه سخن این است که اولاً این هنر با اصول و مبانی مسجد مغایرت نداشته باشد؛ و ثانیاً هنری در ساختمان به‌کار گرفته شود که در راستای اهداف مسجد باشد و درحقیقت در خدمت رسالت اصلی مسجد باشد.

۴ - تحلیل گزاره‌های تاریخی مسجد

چرا بنیم‌براکرم (صل‌الله‌علیه‌وآله) هنگام ورود به مدینه، بی‌درنگ ساخت مسجد را آغاز کردند؟ بررسی تاریخ جوامع بشری و موفقیت ملی شکست‌ملتها نشان می‌دهد که مهم‌ترین ابزار تأثیر بر گروه‌های مختلف اجتماعی، ایجاد گروهی هم‌فکر و منسجم است. ازاین‌رو، بنیم‌براکرم (صل‌الله‌علیه‌وآله) تنها راه انسجام قبایلی متعدد مدینه را پی‌ریزی مکانی به‌نام مسجد دانست که همگان در آن جمع و منسجم شوند. چنین کاری علاوه بر

«دلگرمی درون‌گروهی»، راهی است برای تأثیری بر اندیشه‌های پرنشان و بنیاس قباای پراکنده‌ی مدینه. با این مقدمه‌ی کوتاه، «جایگاه مسجد در اسلام» را بررسی خواهیم کرد.

الف. مسجد اولین نهاد اجتماعی وحدت‌بخش در صدر اسلام

وقتی پلبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد مدینه شد، ابتدا مکانی ساخت به‌نام مسجد که اولین نهاد اجتماعی مسلمانان بود. ازسویی، مسجد عبادت و تعاملات اجتماعی مسلمانان را نشان می‌داد و ازسوی دیگر، رابطه‌ی قباای متعدد مدینه، مثل اوس و خزرج، را سامان می‌بخشید. پلبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با تأسیس نهادی پاک و مقدس برای پالایش اندیشه‌های شرک‌آلود، توانست همه‌ی قبیله‌های مختلف را گرد هم آورد. او می‌دانست که با وحدت مسلمانان قدرت، تأثیری و نفوذ اسلام بیشتر و راه برای ترویج آن باز خواهد شد. بی‌شک، این چنین انسجامی به‌وجود نمی‌آمد، مگر با تأسیس مسجد؛ یعنی نهادی را که اختلافات فرقه‌ای را بزدايد و همگان را هم‌ارز بداند. گواه آنکه وقتی پلبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مکن قبیله‌ی بری‌عمر بن عوف بودند، هیچ‌یک از خزرجی‌ها به دینار حضرت نيامدند و گفتند که نمی‌خواهند همان قوم اوس بشوند. به‌همین دلیلی، وقتی پلبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به جمعیت صدنفری قبیله‌ی بری‌سالم بن عوف رسیدند، بی‌درنگ، نخستین نهال وحدت را در درون قباای اوس و خزرج کاشتند و مسجد قبا را تأسیس کردند. حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای اولین بار در میان آنان نماز جمعه اقامه کردند و خطبه‌هایی درباره‌ی وحدت عقایی و انسجام اندیشه‌های مسلمانان خواندند که با چنین آغاز می‌شد: «أَفْشُوا السَّلَامَ وَ صَلُّوا الْأَرْحَامَ وَ أَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَ صَلُّوا بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ بِكُمْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِهٖ سَلَامٌ»^۱.

در طول مسیری مسجد قبا تا ورود به مدینه، بسطی از بزرگان اوس و خزرج از آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درخواست می‌کردند که در منطقه‌ی آنان مسجدی بنا کند. درحقیقت، این پیشنهاد نشان می‌دهد که آن‌ها هنوز بپلم تأسیس مسجد قبا را درظفت نکرده بودند. این بار، پلبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با

۱ - مستدرک الوسائل ج: ۱۶ ص: ۲۴۶- خوب است خواننده عزیز بداند که این خطبه اولین خطبه پیامبر اکرم در هنگام ورود به مدینه است و در اولین نماز جمعه در مسجد قبا ایراد فرموده است، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «موسوعة تاریخ الاسلامی» تألیف استاد عزیزم محقق ارجمند شیخ محمد هادی یوسفی غروی، ج ۲، ۴۰.

شگردی دیگر، همگان را به وحدت و همگرایی فراخواند و با سپردن کار تعیین مکان به شتر راه اختلاف را بستند. ایشان فرمودند: «خَلُّوا سَبِيلَ النَّاقَةِ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ»^۱ افسار شتر را رها کن (راه شتر را باز کن)، زیرا او مأموریت دارد جای مسجد را مشخص کند. درواقع، پیامبر (صلی الله علیه و آله) افسار شتر را از مطن جنگ قحطه ها بیرون کشید تا رسالت جهانی اسلام رنگ و بوی قحطه ای به خود نگیرد.

مخالفان و اعراب اهل کتاب که به دنیا و لذات آن گرایش داشتند، نمی توانستند به سادگی با پیامبر ساده زیست مسلمانان همراه شوند، لذا برای اثبات حقایق خویش در عدم همراهی با او، سعی می کردند برطن های اقتصادی تازه ی مسلمانان را تخریب کنند. بهتری فرصت برای ایشان وقتی بدست می آمد که مسلمانان را دور از هم و متفرق ببینند تا بتوانند با مکرو حطه و تطمیع و تهدید، آن را به سمت خود فراخوانند. در چنین فضایی، با توجه به محیط جغرافیایی حجاز و فقر نسبی آن (در مقابل شام و روم شرقی، ایان و حتی مشرکان مکه و یمن)، کاهش شور اولیه ی پیدایش اسلام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید، به طور مداوم، مسلمانان را جمع و به مشکلات آنان رسیدگی می کرد. او باید وضع نابسامان اقتصادی ایشان را سامان می بخشید و روحیه ی سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و جهادی آنان را تقویت می کرد. مسجد جایگاهی بسیار مناسب و ابزاری کارآمد برای این رسالت نبی (صلی الله علیه و آله) بود.

ب. مسجد اولین مکان طرح اندیشه های اجتماعی

مسجد برای عبادت اجتماعی مسلمانان شکل گرفت. علاوه بر آن مسجدالنبی پایگاه بحث و استدلال در مورد دین جدی بود. افرادی از دور و نزدیک برای شنیدن نطق خدا و شنیدن کلام رسول الله (صلی الله علیه و آله) می آمدند. برخی هم برای امتحان مدعی نبوت می آمدند و در نهایت، تسلیم حق می شدند و برای بررسی بیشتر مهلت می گرفتند. تازه مسلمانان هم برای شنیدن پاسخ سؤالات شرعی خویش سراغ پیغمبر خدا را می گرفتند. اگر پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) را حاکم حکومت بداریم، دارالحکومه اش مسجد بود و اگر بشری و ندی ش بداریم، پایگاه تبلیغی اش مسجد بود. با این رفت و آمدها و گفتگوها حقیقت اسلام بر ناظران آگاه آشکار می شد. سادگی،

۱ - الکافی ج : ۸ ص : ۳۳۹

صداقت، صلابت و قدرت در کنار مديريت و حرف شنوي پيوان، دلربا و پرجاذبه بود. حلم و بردباري و اخلاق فوق العاده‌ي امين وحی خدا هر تازه‌واردی را مسرور می‌ساخت و همه‌ي اين موقعيت‌های جذاب را مسجد، به همراه متولي آن يعني پيامبر اکرم (صلی‌الله‌عليه‌وآله)، به ارمغان آورده بود. در حقيقت، مسجد ريلست و محبت را همراه کرده بود.

به هر حال، بررسی دو مسجد نخست صدر اسلام نشان می‌دهد که حضرت به دنبال نهادی وحدت‌بخش و مرکزی برای تجمع همه‌ي قبائل بود. گویی یکی از اصلی‌ترین کارکردهای شرعی مسجد، ایجاد منطقه‌ای امن است برای گروه‌های مختلف در جوامع اسلامی. مسجد مرکز تجمع همه‌ي اندیشه‌هاست که برای کارهای مهم اجتماع تصمیم‌گیری می‌کردند. تصمیم‌گیری اجماعی ضامن اجرایی کارها نیز بود. برای همه‌ي افراد جامعه معلوم بود که فکر و ایده‌ي مسجد همان رأی و نظر صاحب و متولي مسجد است و متولي مسجد، یعنی پيامبر (صلی‌الله‌عليه‌وآله) ناظر بر امور است. از رهاورد اين تحليل در می‌يابيم که بدون لحاظ وضعيت تأسیس مسجد و متولیان راستین، نمی‌توان کارکردهای شرعی مسجد را مشخص کرد. شناسایی متولي و تصمیم‌گیری‌های منسجم با یکدیگر و هماهنگی با او ضامن اجرایی کارها است. از این رو، قبل از تعیین کارکردهای اصلی و شرعی مسجد، باید درباره‌ي صاحب‌امثلان تأسیس مسجد در اسلام سخن بگوییم.

فصل سوم: صاحب‌امثلان تأسیس مسجد در اسلام

۱- قرآن و متولیان راستین مسجد

قرآن کریم ساختن و تعمير مسجد را شایسته کسانی می‌داند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند. در این باره دو آیه‌ي شریفه را بررسی می‌کنیم:

الف. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۱ همانا مساجد خدا را کسی آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان

۱- توبه: ۱۸.

دارد، نماز را به پا می‌دارد، زکات می‌دهد و از کسری جز خدا نمی‌ترسد؛ امی است آنان از هدایت‌شدگان باشند.

از این آیی شریفه درمی‌یابیم کسانی حق دارند مسجد بسازند که این ویژگی‌ها را داشته باشند:

۱- ایمان به خداوند متعال؛

۲- ایمان به تحقق معاد و روز رستاخیز؛

۳- اقامه نماز؛

۴- پرداخت زکات (مالیات اسلامی)؛

۵- ترس از خداوند متعال.

ب. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَحْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»^۱، مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند، درحالی‌که به کفر خویش گواهی می‌دهند. آنان اعمالشان تباه و بی‌ارزش است و در آتش جاوی جهنم خواهند ماند.

از آیی مزبور استفاده می‌شود که مشرکان و بت پرستان حق مشارکت در مرمت، تعمیری، ساخت‌وساز و تأسیس بنای ساختمان مساجد را ندارند. همه‌چیز بای به‌دست مسلمانان باشد و دست‌های آلوده و ناپاک باید از این کار منع شوند که به‌دلیل ریاست طلبی علی‌کسب شهرت علی‌هر انگیزی غی‌خدایی دیگر می‌خواهند مسجد بسازند.

اولی مصداق حقیقی که شرایط موجود در آیه‌ی اول را دارد و به‌معنای حقیقی ایمان دارد، وجود مبارک پیمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. دومی مصداق امامان معصوم (علیهم‌السلام) هستند که به‌دلیل وجود همین شرایط جانشینان به‌حق پیمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شده‌اند. در مرتبه‌ی بعد، علمای راستین اسلام قرار دارند که وارثان حقیقی انبیا و اوصیای الهی به‌شمار می‌آیند.

۱- توبه: ۱۸.

۲ - قرآن و متولیان فاسق مسجد

بعد از نظن این دو آئی شریفه و معرفی مصادیق بارز کساری که حق تأسیس مسجد را دارند، معلوم می‌شود که چرا پلیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور دادند مسجد ضرار تخریب شود. برای روشن شدن مسری بحث داستان مسجد ضرار را به اختصار نظن می‌کریم. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْرَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تُقْمُ فَقِ أَبَدًا...»^۱ کساری که مسجدی ساختند برای زلن به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه افکری نظن مؤمنان و کمپی گاه برای کسری که از پیش با خدا و پلیمبرش مبارزه کرده بود، آن‌ها سوگند می‌کنند که جز ریکی و خدمت اراده‌ای نداشته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند، هرگز در آن (مسجد) به عبادت نایست!

اسلام از نمازگزاردن در مسجدی که با هدف تضعیف دین بنا شده است، نهی می‌کند و نمازگزاران بای توجیه کند که در چه مسجدی نماز می‌گزارند و نمازشان موجب رونق بخشیدن به جمع دشمنان نباشد. مولوی درباره‌ی هدف تأسیس مسجد ضرار چرین می‌سرای:

این چرین کز بازی می‌باختند مسجدی جز مسجد او ساختند

فرش و سقف و قبه‌اش آراستند لک تفریق جماعت خواستند

در کتاب شریف «مجمع النظن»، در تفسیری «وَأِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ»^۲ آمده است: مسجد ضرار را برای بازگشت ابوعامر راهب ساخته بودند. ابوعامر همان کسری است که قبلاً با خدا و رسولش جنگیده بود. در زمان جاهلیت، او جامه‌ای پشیمی می‌پوشید و رهبانیت پیش گرفته بود؛ اما وقتی پلیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مدینه رفت، بآن حضرت حسادت ورزی و احزاب را علی ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه، به طائف گریخت و وقتی مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسری شد. ابوعامر پدر حنظله (غسری الملائکه) است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ابوعامر را فاسق نامید. وی به

۱ - توبه: ۱۰۸ - ۱۰۷.

۲ - مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰ (به نقل از بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۵۲).

منافقان به‌خام داده بود: خود را آماده کرده و مسجدی بسازی، زی من نزد قصر می‌روم و با سپاه‌کن او خواهم آمد و محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از مدینه بیاورم! منافقان منتظر برگشت ابوعامر بودند، اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم، به هلاکت رسید. خداوند پطمبرش را از رحمت پلای و باطن کشف منافقان آگاه کرد و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در برگشت از غزوه ی تبوک، عاصم بن عوف عجلای و مالک بن رخشم را فرستاد و فرمود: «به‌سوی این مسجدی بروید که طرفدارانش ستمگرند و آن را ویان کرده و بسوزانند». پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دستور داد آن محل را به زباله‌داری و جای انداختن لاشه‌ها و مردارها تبدیل کنند. مولوی همی دستور پطمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را چنین سروده است:

چون پدیی آمد که آن مسجد نبود خانه حطت بد و دام یهود
پس نهی فرمود کان را بر کرده مطرحه خاشاک و خاکستر کرده

۳ - رابطه‌ی رحمت ساخت مسجد با تعیین کارکردهای آن

جمله‌ی «لم یخس الا الله»، در آئینی نخست روشن می‌کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد ممکن نیست مگر به شرط «خدا‌باوری» و «ترس از خداوند متعال». آن هنگام این کانون‌های اسلامی به مرکزهای انسان‌سازی تبدیل می‌شوند که پاسداری دینی باور داشته باشند؛ کسانی که از هیچ‌کس جز خدا نترسند، تحت تأثیری هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی نداشته باشند. به‌دیگر سخن، آنچه از دیدگاه قرآن مهم‌تر است، عمران و آبادی معنوی مساجد است. مسجد بانی کانونی باشد برای حرکت‌ها و جنبش‌های سازنده‌ی اسلامی، برای آگاهی و بهاری مردم، برای پاکسازی محیط و آماده‌ساختن مسلمانان در دفاع از میثاق اسلام. از این‌رو مساجد خدا را فقط کسانی می‌توانند آباد می‌کنند که به خدا ایمان دارند. اکنون، می‌توان بر پایی این تحلیل قرآنی، یکی دیگر از کارکردهای اصلی مسجد را معرفی کرد؛ یعنی پرورش دین‌داران. فعالیت‌های مسجد باید به دینی باوری منجر شود و نتیجه‌ی برنامه‌های مسجد باید ترس از خداوند باشد. البته، چنین هدفی فقط با وجود متولیان دینی باور امکان دارد. در حقیقت این کارکرد اصلی فقط یکی ضمانت اجرایی دارد و آن این است که متولی مسجد باید واجد شرایط مذکور در قرآن

باشد؛ درغیراین صورت، مسجدی جز مسجد ضرار برپا نخواهد شد . در همین باره باید گفت که مراد از تعمیر مسجد فقط تعمیر ساختمانی نیست، بلکه نمازگزار صالح نماد آبادانی مسجد است . آبادی مسجد باحضور مسلمانان مهیتر می‌شود؛ وگرنه مسجدی که مردم در آن رفت و آمد ندارند، خراب است؛ اگرچه به بهتری شکل هنری و معماری درست شده باشد.

در روایط و احادیث معصوم^ن، تشویق‌های بسطی برای ساخت و تعمیر مسجد وجود دارد اما این سفارش‌ها و تشویق‌ها به این معنا نیست که هرکسی حق ساختن مسجد را دارد، بلکه مراد تشویق مؤمنان واجد شرایط است. اکنون، با چنین نگاهی به این دو روایت توجه فرمایید:

الف. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ بَرِيَ مَسْجِدًا بَرِيَ اللَّهُ لَهُ نَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»،^۱ امام صادق (عليه السلام) فرمود: هرکس مسجدی بنا کند، خدا برای او در بهشت خانه‌ای بنا می‌کند.

ب. «عن جعفر بن محمد (عليه السلام) عن آبائه قال: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَهْدِيَهُ أَهْلَ الْأَرْضِ إِلَى عَذَابٍ قَالَ لَوْ لَا الَّذِي يَحْتَابُونَ بِهِ جَلَالِي وَ عُمْرُونَ مَسَاجِدِي وَ يَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ لَوْ لَا هُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي»،^۲ امام صادق (عليه السلام) از پدران خود نقل می‌کند که فرمودند: وقتی خداوند بخواهد اهل زمینی را عذابی برساند، می‌گوید: اگر نبود کسانی که برای من همدیگر را دوست دارند و مساجد را آباد می‌کنند و سحرگاهان استغفار می‌کنند، اگر آن‌ها نبودند عذاب خود را نازل می‌کردم.

فصل چهارم : جایگاه و نقش مسجد در حکومت‌ها

۱- کارکردهای مساجد در تاریخ حکومت‌ها

مسجد در اصل برای عبادت ساخته شد و مسلمانان در مواقع نماز در آن گرد هم می‌آمدند و نمازجماعت می‌خواندند؛ ولی از مسجد به صورت‌های دیگری هم استفاده می‌شد. به خصوص، در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خلفا، مسجد مرکز فرماندهی سطی و نظامی و محل مشورت‌های مسلمانان بود. آنان برای رفتن به جهاد

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵.

۲- همان مدرک، ص ۴۸۶.

سربازان اسلامی در مسجد جمع می‌کردند و اخبار جنگی در مسجد به پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌رسید. در مسجد، پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با هیئت‌های نمایندگی بیگانگان و ادیان ملاقات می‌کرد. در مسجد، پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خلفا قضاوت می‌کردند و حدود الهی را به اجرا در می‌آوردند. قضاوت‌های حیت‌انگیزی امی‌المؤمنین (علیه‌السلام) نیز در مسجد اتفاق افتاده است.

از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، تعلیم و تربیت و آموزش معارف و احکام دین در مسجد صورت می‌گرفت. قرن‌ها، مسجد آموزشگاه مهم مسلمانان و جایگاهی بود برای فراگیری علوم و آموزش‌های گوناگون. علاوه بر تلمین احکام فقهی و تفسیر قرآن، اصول اعتقادات اسلامی نیز مورد بحث قرار می‌گرفت؛ همان اصولی که بعدها به‌عنوان علم کلام شناخته شد.^۱

۲ - موقعیت مسجد بعد از رحلت پطمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

پس از رحلت آن بزرگوار، مسجد از نظر تعلیم و تربیت، موقعیت ویژه‌ای یافت و در سطوح گوناگون مورد استفاده‌ی دانش‌طلبان قرار گرفت، از مرحله‌ی ابتدایی گرفته تا بالاترین مرحله‌ی علم و دانش. حلقه‌هایی برای قرآن‌آموزی، سوادآموزی و آموزش مسائل کلامی و فقهی و تفسیری تشکیل شد. برای مثال، ابن عباس در مسجد تفسیر قرآن می‌گفت^۲ یا حسن بصری در مسجد مسائل کلامی را آموزش می‌داد.^۳ از همه‌ی این‌ها مهم‌تر اینکه مسجد کوفه شاهد سخنان و خطبه‌های پربار و انسان‌ساز و رحلت‌بخش امی‌المؤمنین علی (علیه‌السلام) بود که در تلمین معارف والای توحیدی، شاهکارهایی ماندگاری هستند.

وقتی دامنه‌ی فتوحات اسلامی گسترش یافت، مساجد بزرگ و باشکوه‌ی ساخته شد و و در آن‌ها جلسات درسی متعددی تشکیل می‌شد. در مسجد جامع قاهره، به گفته‌ی مقرئین پیش از (سال ۲۴۹ ق)، حدود چهل حلقه‌ی درسی دای بود و در هر گوشه‌ای شخصیت‌های معروف تدریس می‌کردند. این زاویه‌ها به‌نام آن‌ها شهرت یافته بود؛ مانند زاوی‌ی امام شافعی، زاوی‌ی صاحبی و زاوی‌ی مجددی. در زمان مقدسری

۱ - دکتر زرین کوپ «کارنامه اسلام»، ص ۵۵.

۲ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۷۵.

۳ - رجوع شود به: بغدادی، الفرق، ص ۷۴.

(طلوع)، در همان مسجد، صدویست حلقه‌ی درسی شبانه دای بود.^۱ مسجد جامع منصور در بغداد نیز چنین حکایتی دارد.^۲

۳ - مسجد و سیره‌ی خلفا و سلاطین در کشورهای اسلامی

حاکمان اسلامی تلاش کردند تا با بهره‌وری از تجربه‌ی دیگران حکومت خود را سامان بخشند و براساس شریعت اسلام، نظام اداری، حقوقی، امور تجارت، امریّت، سرکست را تنظیم کنند. در این مطن، مساجد و امور عبادی مردم چینی نبود که مورد غفلت باشد، لذا عالمان، فقیهان و بزرگان دستورالعمل‌ها و آیین‌های خاصی برای اداره‌ی مساجد و نحوه‌ی دخالت حکومت‌ها تنظیم کردند. حاکمان کوشیدند تا ضمن راضی نگه داشتن مردم، از موقعیت مردمی - دینی مسجد برای تشیّع پای‌های حکومت خود بهره ببرند. اکنون، برای آشنایی بیشتر، سرکست‌ها و روش‌های حکومت‌هایی را بررسی می‌کنیم که به‌نام اسلام سلطنت می‌کرده‌اند. ابی‌الحسن علی‌بن محمد بن حبیب مارودی (موفای ۴۵۰ ه.ق) در کتاب ارزشمند خود به نام «الاحکام السلطانی و الولایات الدینی» درباره‌ی رابطه‌ی حکومت و مسجد مطالب مهمی را بیان کرده است که به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود: در ابتدا، مساجد به دو قسم تقسیم می‌شوند:

• مساجد سلطانی

مساجدی که کاملاً حکومتی و دولتی‌اند و حاکم مستقیماً عهده‌دار امور این مساجد است. در این مساجد، امام جماعت از سوی حاکم تعیین می‌گردد و با وجود امام منصوب، هیچ امام دیگری حق امامت بر مردم را ندارد؛ هرچند فاضل‌تر و عالم‌تر باشد. زیرا، درواقع امام نماینده‌ی حاکم در مسجد است. امامت در این مساجد پنج شرط داشت: مرد بودن، عدالت، حسن قرائت، فقاقت، و سلامت جسماری برای تلفظ صحیح کلمات و اذکار. این امامان از دولت و نیت‌المال برای تصدی امامت خود حقوق دریافت می‌کردند.^۳

۱ - مقریزی، الخطط، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲ - یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳ - مارودی، الاحکام السلطانیة، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، جلد اول، ص ۱۰۰.

• مساجد عامه

مساجدی مردمی که توسط اهل محل، کوچه، قنچه و بازار ساخته می‌شود. در این مسجد، حکومت حق دخالت مستقیم ندارد و امام آن را خود مردم انتخاب می‌کنند.^۱

بنا بر آنچه گفتیم، درمی‌یابیم که اداره‌ی مساجد و نظارت بر شؤون آن، هم‌یشه مورد توجه حاکمان اسلامی بوده است. بنابراین، امام جماعت جایگاه رفیعی داشته است. امروزه، اگر می‌بینیم که در مناطق سری‌نشین، اهتمام به مساجد بیشتر است، ریشه در سنتی طولانی و تاریخی دارد؛ زیرا پس از نظیر حکومت به‌دست آن‌ها بوده است و رسیدگی به مساجد و نظارت بر آن جزء وظایف اجتناب‌ناپذیری حکومت‌ها محسوب می‌شده است. همه‌ی حاکمان حتی اگر ظالم و بی‌اعتنا به احکام اسلام هم بوده‌اند، به مسجد نظر داشته‌اند و رونق مساجد و شکوه نماز جمعه و جماعت را درواقع به‌معنای شکوه و اقتدار خود می‌دانسته‌اند. ابن‌اخوه در باب الثانی فی الامریا المعروف والنهی عن المنکر از کتاب «معالم القری» ص ۲۴، حدود اختیارات و وظایف حاکم و محتسب را درمورد مسجد چرین چنین بیان کرده است: «نماز جماعت در مساجد و اقامه‌ی اذان برای نمازهای پنجگانه از شعائر اسلام و نشانه‌ی بندگی خداوند است. بنابراین، اگر اهل محله بی‌شهری تصمیم گرفتند نماز جماعت را ترک کنند، محتسب موظف است وارد عمل شود و آن‌ها را وادار نماید تا نمازها را برپا نمایند و اذان بگویند».

۴- اقتدار تشیع و مساجدشان

مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که همان مذهب جعفری بود نه‌تنها ازجانب هیچ حکومت و سلطاری تأیید و تقویت نشد که مورد آزار زیادی نیز واقع شد. مکتب جعفری در مقابل حکومت‌های ظلم استادگی کرد و علی‌رغم همه‌ی مشکلات با تکیه بر آموزه‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) راه خود را تداوم بخشید.^۲ با توجه به فضای نامناسبی که در مساجد ایجاد شد، حضور پیروان مذاهب مختلف در مساجد مشکل گردید. در این مکتب، وضع شیعیان سخت‌تر از پیروان دیگر مذاهب بود و در نتیجه، آنان به‌تدریج از مساجد اهل سنت فاصله گرفتند. ازسویی،

۱- همان منبع، ص ۱۰۲.

۲- اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، المجلد ۱ - ۲ دار الکتاب العربی، بیروت، سال ۱۳۹۹ هجری، چاپ دوم، ص ۱۹۰.

شیعیان اجازه نداشتند مسجدی بنا کنند و از سوی دیگر، در نگاه آنان صاحب‌امطّان حقیقی تأسیس مسجد فقط امامان معصوم (علیهم‌السلام) یا نمایندگان آنان بودند؛ از این رو بیشتر آنان به‌دلیل شرایط مبارزه، در خفا علی‌با توتی زندگی می‌کردند. به‌طور طبیعی، فرهنگ حضور یکپارچه در مسجد روبه‌افول رفت و شیعیان حساسیت خود را به مساجد از دست دادند. بیشتر آنان سعی می‌کردند در خانه‌هایشان نماز جماعت برگزار کنند، ولی این کار هم ممکن نبود؛ زیرا اولاً در خانه‌های ایشان امکان تجمع بزرگ نبود و ثانیاً امیران و حاکمان چنین اجازه‌ای نمی‌دادند. با این حال، امامان معصوم (علیهم‌السلام) شیعیان و پیروان خود را به شرکت در مساجد ترغیب و توصیه می‌فرمودند. در عصر غیبت نیز فقها و مراجع شیعه تلاش کردند تا تشکلاتی غیررسمی ایجاد کنند و با اعزام نمایندگانی به مراکز تجمع شیعیان، امور دینی و مذهبی آن‌ها را سامان بخشند. ایشان وکیلانی را معین می‌کردند که زکات و خمس را جمع‌آوری کنند و در حد توان مساجد و محل‌های نماز مردم را رونق بخشند. این سریه در تمامی نقاط و مراکز شیعه‌نشری توسعه یافت.

پس از تأسیس حکومت صفوی، وضع شیعیان و مسجدهای ایشان بهتر شد. از آنجاکه دولت صفوی با شعار شیعه به حکومت رسید، مسجدهای شیعیان نیز رونق بهتری گرفت. حاکمان صفوی در آغاز کار، به پیروی از سالی حاکمان اسلامی، مساجد بزرگی ساختند. در این دوران، علما و مراجع بزرگ کوشیدند که با کمک‌های مردمی و نه دولتی، به مساجد شیعی رونقی خاص ببخشند، اما چون مقدرات و امکانات مردم کافی نبود، مساجد به‌کندی به حرکت خود ادامه دادند. با این حال، مسجدها تنها جایگاه‌ای بودند که روحانیون برای حرکت‌های دینی و اجتماعی در اختیار داشتند؛ به‌گونه‌ای که همه‌ی حرکت‌های انقلابی روحانیان در یک صدوپنجاه سال گذشته، مرهون مساجد است. در تمام این مدت، علما و مراجع در مقابل دولتی‌شدن مساجد مقاومت کردند و کوشیدند مسجد نهاد مردمی باقی بماند.

۵- امام خمینی مدافع سنگر مسجد در عصر معاصر

امام خمینی (رضوان‌الله) از باب امر به معروف و نهی از منکر، همکاری علما با دولت جائز را حرام دانستند و با این فتاوا کوشیدند که سنگر مسجد را در مبارزه با ظلم و طاغوت حفاظت و حراست کنند. امام خمینی (رضوان‌الله) از احاطه‌گرایی است که توانست به اهداف فکری خویشی برسد و علاوه بر نشر اندیشه‌ها، کتاب‌ها،

سخنرانی‌ها و تدریس، نظامی اسلامی بر مبنای فرهنگ دینی رن تأسیس کند. وی با طرح دوباره‌ی «اسلام ناب» در حاکمیت بشری، به‌ویژه در جهان اسلام، روحی تازه دمی و کالبد مرده‌ی مساجد جوامع اسلامی را زنده کرد. امام خمینی (رضوان‌الله) از همه‌ی امکانات مسجد در راه اهدافش بهره گرفت. حضرت امام خمینی (رضوان‌الله) قلم کرد و آرزوی چندصدساله‌ی اح‌لگران و نگهبانان فرهنگ دینی را برآورده کرد و نظام حکومتی و سرطری اسلام را محقق ساخت.

امام (رضوان‌الله) استعمار را سرچشمه‌ی خطر^۱ معرفی کرد و با تبیین درست معارف اسلامی،^۲ پویایی اجتهاد،^۳ پیوند اسلام با سرطست،^۴ اصل «ولایت فقیه» را الگوی حکومت،^۵ دانست و تعاملی سالم میان حکومت و مسجد برقرار کرد. امام خمینی (رضوان‌الله) در چند جمله‌ی مهم و تاریخی، پایه نهضت انقلاب اسلامی را رشد و ارتقای فعالیت‌های مسجد می‌داند. در سخنرانی ۱۵ خرداد سال ۵۷ در شهر قم، ایشان در مدرسه فیضیه چنین می‌فرماید: «این مسجد است که این بساط را درست کرد. این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول‌الله هم و بعد از آن هم تا مدت‌ها، مسجد مرکز اجتماع سرطری بود؛ مرکز تجیش محراب بود. «محراب» محری مکان حرب؛ مکان جنگ؛ هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. از محراب‌ها بای جنگ بجا بشود؛ چنان‌که بچش تر از محراب‌ها بجا می‌شد، از مسجدها بجا می‌شد. ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کره. ای روشنفکران مسجدها را حفظ کره، روشنفکر غربی نباشه. روشنفکر وارداتی نباشه! ای حقوق‌دان‌ها! مسجدها را حفظ کره. بروی به مسجد؛ نمی‌روی! این مسجدها را حفظ کره تا این نهضت به ثمر برسد؛ تا مملکت شما نجات بجا کند».^۶

۱- ولایت فقیه، ص ۸، ۹، ۱۱.

۲- ولایت فقیه، ص ۱۷۷، ۱۷۸.

۳- پیام تاریخی حضرت امام به حوزه های علمیه در تاریخ ۳/۱۲/۵۷- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ ج ۲۱، ص ۳۴، ۴۷، ۶۸.

۴- ولایت فقیه، ص ۱۶-۱۹؛ وصیت نامه سیاسی- الهی.

۵- ولایت فقیه، ص ۵۷.

۶- سخنرانی ۲۷/۱۰/۵۹؛ صحیفه نور، ج ۱۲ ص ۱۴۹؛ ج ۶، ص ۴۹.

۶ - تحلیلی چالش‌های مسجد

حاصل بی‌مهری تاریخی‌ای که نصیب شیعیان شد مشکلاتی است که اکنون پیش روی جمهوری اسلام قرار گرفته است. مشکلاتی که ریشه در هزار و چهارصد سال قبل دارد و محصول فرآیندی انحرافی است. وضعیت خاص حاکم بر زندگی شیعیان، آنان را در مقابل مسجد دچار بحران کرد؛ زیرا از سویی، در اسلام مسجد همزاد با حکومت بوده است و از سوی دیگر، حکومت‌ها مورد تأیید شیعیان نبوده‌اند. افزون‌بر آنکه امکان ایجاد مساجد مستقل نیز برای آنان وجود نداشته است. حال، چون نوع رابطه‌ی مردم با مسجد و رابطه‌ی مسجد با حکومت نهادینه نشده است، مسجد در جامعه‌ی بدل به فرهنگ نشده است و هنوز به رونق کامل مساجد نرسیده‌ایم. اگر امروز شاهد رونق مساجد مسلمانان در کشورهای چون عربستان، ترکی و دیگر کشورهای سری‌مذهب هستیم، باید بدانیم که این دست‌آورد یک شبه حاصل نشده است، بلکه حاصل هزار و چهارصد سال کار حاکمان اسلامی و گسری مردم به سوی مسجد است. حضور در مساجد بخشی از فرهنگ روزمره‌ی آنان است؛ چون آن‌ها تقریباً حکومت‌ها را قبول داشته‌اند و حکومت‌ها بقاء حکومت خود را مرهون حضور مردم در مسجد می‌دانسته‌اند. البته، بی‌شک با توجه به آنچه گفتیم چنین مساجدی مورد تأیید پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیست؛ زیرا حاکم جائز نمی‌تواند متولی مسجد باشد.

۷ - نگاه به فرهنگ‌سازی مسجد

شیوه‌ی تعامل امامان معصوم (علیه‌السلام) با مسجد برای ما شیعیان درس‌آموز است. از این رو، به دو حدیث در این باره اشاره خواهیم کرد:

الف. حضرت امی‌مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نشستن در مسجد برای من از نشستن در بهشت محبوب‌تر و بهتر است، زیرا با نشستن در بهشت به خواسته خودم نائل شده‌ام، ولی با نشستن در مسجد به خواست خداوند نائل می‌شوم»^۱.

۱ - وسائل الشیعه؛ ج ۳ ص ۴۷۷

ب. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر وقت برای حضرت امی مؤمنان (علیه السلام) کار مهمی پیش می آمد، به نماز خواندن پناه می برد؛ سپس این آیه را تلاوت کردند: «وَأَسْتَعِزُّوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۱ ایشان همچنین فرمودند: «هر یک از شما که با اندوهی از اندوه های در پی مواجه شد، وضو بگویی و به مسجد بروی و دو رکعت نماز بخوانی و رفع اندوه و شدائد خود را از خدا بخواهی. آئی نشریده ای که خداوند فرمود: «وَأَسْتَعِزُّوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۲.

اگر ما بعد از مقطعی کوتاه در دوران صفویه، دیگر بار شاهد کم رنگی مساجد هستیم به این دلیل بوده است که نه مسئولان حکومتی به مسجد عادت کرده بودند و نه مردم. لذا بعد از جنبشی شرعی، برای مدتی مساجد رونق می گفد، ولی به دلیل اسلامی نبودن حکومت ها، این چراغ مجدداً خاموش می شود. به دلایلی رونق کوتاه مدت مساجد در صفویه تثبیت نشد؛ از جمله ضعف برنامه ریزی حکومت صفویه، عدم ارائه تعریف صحیح از جایگاه مسجد، عملکرد بد دولت مردان صفویه و نبودن اختلالات در دست علما و مراجع. اگر می خواهیم چیزی را به فرهنگ بدل کنیم، به تلاشی بگویی و برنامه ریزی بلندمدت نیاز داریم.

نتیجه گیری

نمی توان با توجه به معنای لغوی واژه های مسجد تمام کارکردهای اصیل و مشروع مسجد را معرفی و روشن ساخت؛ زیرا چنین استنباط هایی عجولانه و غیر منطقی است و فقط بر پایه ی لغت بنا شده است. یکی از مهم ترین پیش شرط های پژوهش در بحث کارکردها، بررسی دقیق و همه جانبه اخبار و احادیثی است که در جریان اولین تأسیس مسجد در اسلام از سوی مورخ آن نقل شده است. همچنین، بررسی دقیق حادثه ی تخریب مسجد ضرار نیز پیش شرطی مهم در این باره است. از دیگر پیش شرط های لازم در بحث کارکردها این است که باید تحقیقی روشمند انجام شود، درباره ی شناسایی متولیان راستین و صاحب امتیازان شرعی مسجد در اسلام. در نهایت، هر پژوهشگر مباحث مربوط به مسجد باید شرایط عمومی و ابتدایی اجتهاد را داشته باشد تا به دام تحلی های سطحی و غیر علمی نیفتد.

۱- وسایل الشیعه؛ ج ۵ ص ۲۶۳

۲- همان مدرک؛ ج ۵ ص ۲۶۳

۱. قرآن
۲. الاتقان فی علوم القرآن؛ مؤلف: جلال الدین سیهی طی عبدالرحمن، ناشر فخر دین، چاپ اول، ۱۳۸۰ - شمارگان ۲۰۰۰، چاپخانه نور محقق، محمد ابوالفضل ابراهیم، حروفچینی کامپیوتر رضا. قم - پاساژ قدس - پلاک ۱۰۲. تلفن ۷۷۴۲۸۷۸
۳. الاحکام السلطانی؛ ماوردی، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمی قم، جلد اول، ص ۱۰۰.
۴. أقرب الموارد فی فصیح العربی و الشوارد؛ سعید الخوری الشرتوی اللبنانی، ۲ جلد زبان عربی، مکتبه اللبنان ۱۳۷۱ ش
۵. الأمالی، محمد بن علی بن بابوی القمی المعروف ب «شیخ صدوق» (ت ۳۸۱ ه. ق)، تحقیق: قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه. ق.
۶. الامام الصادق و المذاهب؛ اسد حیدر، دارالکتاب العربی، بیروت، سال ۱۳۹ هجری، چاپ دوم، ص ۱۹۰.
۷. التفسیر و المفسرون؛ دکتر محمد حسینی الذهبی، ۱۴۲۴ ق - مکتبه مصعب بن عمیر الاسلامی.
۸. الخطط: المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار (معروف به خطط مقرئین)؛ تالیف: احمد بن علی مقرئین - تحقیق: محمد زینهم، قاهره - مکتبه مدبولی - ۱۳۷۷.
۹. الرائد؛ فرهنگ الفبائی عربی فارسی مؤلف جبران مسعود ترجمه رضا انزایی نژاد، ۲ ج انتشارات آستان قدس رضوی سال نشر ۱۳۷۳
۱۰. صحیح مسلم؛ به شرح الامام محی الدین النووی ابی زکری الدمشقی الشافعی، دار احکام التراث العربی، چاپ اول سال ۱۴۲۰ - محقق: دکتر محمد عبدالرحمن مرعشی - تخریج احادیث از کتاب تخریج المنفعه محمد فؤاد عبدالباقی.
۱۱. صحیفه امام؛ نظم تاریخی حضرت امام به حوزه های علمی در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۵۸؛ ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ ج ۲۱، ص ۳۴، ۴۷، ۶۸.

۱۲. العینی: خلایق بن احمد فراهینی، ۳ جلد محقق مهدی محزومی، انتشارات اسوه اوقاف و امور خیریه

۱۳۸۳

۱۳. الفرق بین الفرق؛ عبدالقادر بن طاهر بغدادی، ترجمه‌ی النکت الاعتقادی شیخ مفید، حواشی محمد

جواد مشکور، تهران اشراقی، ۱۳۶۷.

۱۴. القاموس المحیط؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی (مجد الدین)، ناشر بیوت - ۴ جلد

۱۵. کشف اصطلاحات الفنون؛ تالیف محمد علی فاروقی التهانوی، محقق لطفی عبدالبدیع، ترجمه‌ی

عبد النعم محمد حسینی، سال ۱۳۴۸

۱۶. اللسان العرب؛ مؤلف: محمد بن مکرم ابن منظور الافرقی المهری، مراجعه و تدقیق: ابراهیم شمس

الدین، ناشر: مؤسسه اعمالی تونس

۱۷. لغت‌نامه دهخدا؛ تالیف: علی اکبر دهخدا - پانزده جلدی، ناشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه

تهران - چاپ دوم ۱۳۷۷ ش

۱۸. مجمع‌الطین لعلوم القرآن؛ تالیف سعید ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، ناشر: مجمع عالمی للتقریب

بین المذاهب الاسلامی، چاپخانه رولل کرافک

۱۹. المسجد فی الاسلام؛ تالیف: طه ولی بیوت، دارالعلم للملایین ۱۴۰۹.

۲۰. معجم مفردات الفاظ قرآن؛ علامه راغب اصفهاری، محقق: ندیم مرعشی، تهران - مرتضوی، ۱۳۷۳.

۲۱. معجم مقاییس اللغة؛ احمد بن فارس با حاشیه ابراهیم شمس‌الدین - ۲ جلد - ناشر دارالکتب

العلمی، چاپ دوم لبنان - بیوت

۲۲. معجم الادباء؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، [طیقوت حموی] طیقوت بن عبد اله [تهران سروش، انتشارات

صدا و سحر] - ۱۳۸۱.

۲۳. مناقب آل ابی طالب؛ تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی، تحقیق و

فهرست یوسف البقاعی چاپ دوم ۱۳۸۵ ش، انتشارات ذوی القربی، چاپخانه سلیمان زاده ۱۳۸۲.

۲۴. منتهی الأرب فی لغة العرب؛ تألف: عبد الرحیم بن عبدالکریم صفی پوری، انتشارات فوهنگستان زبان ایان، یک جلدی ۱۱۱ صفحه.

۲۵. موسوعه التاريخ الاسلامی؛ تاریخ تحقیقی اسلام، محمد هادی یوسفی غروی، مترجم: حسینی علی عربی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی سال ۱۳۸۲

۲۶. نهج البلاغه من كلام امير المؤمنين (ع)؛ تعلیق و تصحیح: محمد عبده، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

۲۷. نهج البلاغه و گرد آورنده آن؛ هیئات تحریریہ بنیاد نهج البلاغه، مجموعه مقالات، چاپ تهران.

۲۸. وسائل الشریعه الی تحصری مسائل الشریعه؛ تألف محمد بن الحسن الحرالعاملی، محقق شریخ عبد الرحیم ربّاری شریازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان،

۲۹. وسائل الشریعه؛ محمد بن الحسن الحرالعاملی (ت ۱۱۰۴ ه.ق)، تحقیق: مؤسسه آل البیت، چاپ اول.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد